

کارل گوستاو یونگ
اسطوره‌های نو
«نشانه‌هایی در آسمان»

جهان اسطوره‌شناسی VII
ترجمه‌ی جلال ستاری



فهرست

۱	پیشگفتار مترجم
۴	سخنی درباره یونگ
۷	مقدمه بر چاپ فرانسوی کتاب
۱۹	پیشگفتار
۲۵	I. بشقاب‌های پرنده در حدّ شایعه‌ای عمومی
۵۳	II. بشقاب‌های پرنده در رؤیا
۱۵۹	III. بشقاب پرنده در نقاشی
۱۹۶	IV. پژوهشی در تاریخچه پدیده بشقاب‌های پرنده
۲۰۸	V. نتیجه
۲۲۰	VI. پدیده بشقاب‌های پرنده در چشم‌اندازی غیرروانشناختی
۲۲۹	پس‌گفتار
۲۵۴	کتابشناسی ک.گ. یونگ

I

بشقاب‌های پرنده در حدّ شایعه‌ای عمومی

دربارهٔ بشقاب‌های پرنده، داستان‌هایی نقل می‌شود که نه تنها کاملاً باورنکردنی‌اند، بلکه علاوه بر آن چنین می‌نماید که مفاد عمومی فیزیک را هم به هیچ نمی‌گیرند. بنابراین بروز واکنش منفی در قبال آن داستانها و امتناع محض، مبتنی بر عقل سلیم انتقادی، از پذیرش این پدیده، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و ازینرو هرکس حق دارد چنین بیندیشد که آنهمه، شبهه و خطا و خیالبافی و دروغی بیش نیست! و با خود بگوید، اشخاصی که چنین وقایعی نقل می‌کنند (خلبانان، کارکنان پایگاههای هوایی)، عقلشان اندکی پارسنگ می‌برد! به‌علاوه این روایات از آمریکا که کشوری دارای امکانات نامحدود و سرزمین علم تخیلی (داستانهای علمی تخیلی) است به گوش ما می‌رسند.

بر حسب این واکنش‌های طبیعی، ما نخست روایات در باب بشقاب‌های پرنده را به عنوان شایعاتی که در افواه هست، مدنظر قرار می‌دهیم و می‌کوشیم تا از این تجلیات و تظاهرات روانی، بر حسب روش تحلیلی مان، نتایجی به دست آوریم.

از منظر بدیینی و تشکیک یعنی از دیدگاهی که ما در این پدیده می‌نگریم، گزارش‌های مربوط به بشقاب‌های پرنده، در وهله نخست به نظر ما، به مثابه روایتی است که تکرار می‌شود و در سراسر جهان پهناور شیوع دارد، ولی روایتی خاص است که از شایعاتی معمولی بدین جهت متمایز می‌شود که گزارشش شکلی پنداره‌گون به خود می‌گیرد^۱؛ شاید هم این روایت، کاملاً جعلی یا حاصل پنداره (vision) باشد.^۲ من اینگونه شایعه نسبتاً نادر را شایعه پنداره‌گون (rumeur visionnaire) می‌نامم. چنین شایعه‌ای همتای پنداره‌های جمعی مثلاً پنداره‌ها یا رؤیت‌های جنگجویان صلیبی به هنگام حصر اورشلیم و پنداره‌های نیروی نظامی مستقر در مونس (Mons)^۳ در جنگ جهانی اول و پنداره انبوه خلاق مؤمن که در فاطمه (Fatima)^۴، حضرت مریم را می‌بینند و پنداره دسته‌های نگاهبان سرحدات در مرکز سوئیس به هنگام جنگ جهانی دوم است و غیره. گذشته از این گونه پنداره‌ها و رؤیت‌های همگانی، مواردی هم هست که یک یا چند شخص چیزی می‌بینند که ماداً وجود ندارد. مثلاً من در یک مجلس احضار ارواح حضور داشتم که چهار تن از پنج مشاهده‌گر مجلس، جسم کوچکی به شکل ماه دیدند که بر فراز شکم واسط (médiun) شناور بود و به من که پنجمین شاهد بودم دقیقاً محلی را که آن

۱. من واژه «پنداره» (vision) را بر اصطلاح «توهم» (hallucination) ترجیح می‌دهم، زیرا، واژه اخیر نشان از آسیب‌شناسی دارد، ولی پدیده «پنداره» برعکس فقط منحصر به حالات بیمارگون نیست.

۲. درباره توهم (hallucination) نک به: Henri Ey, *Traité des hallucinations*, 2 volumes, Paris 1973 (یادداشت ناشر).

۳. مونس، شهری در جنوب غربی سرزمین بلژیک.

۴. دهکده‌ای واقع در هفتاد مایلی شمال شرقی لیسبون. در ۱۳ مه ۱۹۱۷ سه شبان جوان پرتغالی، شیخ مریم باکره را در همان حوالی دیدند که از آن پس، محل، زیارتگاه مهمی شد و هر سال در روزهای ۱۲ و ۱۳ مه زائرین برای زیارت بدانجا می‌روند. م.

پدیده ظاهر شده بود، نشان دادند. به نظر آنان مطلقاً باور نکردنی بود که من چیزی مشاهده نکرده‌ام. من سه مورد دیگر می‌شناسم که بعضی وقایع با همه جزئیات مشاهده شدند (دوبار توسط دو شخص و یک بار توسط یک تن)، حال آنکه بعداً به اثبات رسید که این وقایع وجود خارجی نداشته‌اند. دو مورد از این سه مورد در برابر چشمان من روی دادند.

ضرب‌المثلی آلمانی می‌گوید: «دو شاهد برای تصدیق حقیقت کافی است». حتی اگر آمار مؤید صحت این ضرب‌المثل باشد، باز در بعضی موارد می‌توان آن را نادرست دانست. همچنین ممکن است فردی به رغم آنکه از عقل سلیم به تمام و کمال برخوردار و مسئولیت‌شناس است، چیزهایی مشاهده کند که وجود ندارند. من نمی‌دانم چگونه اینگونه پدیده‌ها را توجیه کنم. شاید کمتر از آن که می‌پندارم، پیش می‌آیند، زیرا آدمی عادهً به واریسی آنچه که «با چشمان خود» دیده نمی‌پردازد تا بداند که واقعاً چیزی دیده است یا نه و بنابراین هرگز در نمی‌یابد که مشاهداتش واقعیت نداشته‌اند.

من این امکانات اندکی بعید را خاطر نشان می‌کنم، چون نباید از هیچ جنبه امور در واقعه‌ای استثنایی چون داستان بشقاب‌های پرنده، غافل ماند. شرط پدید آمدن شایعه‌ای پنداره‌گون، همواره وجود هیجانی غیرمعمول است، برخلاف شرط پیدایی و رواج شایعات عادی که کنجکاو و ذوق و شوق شناخت وقایع جنجال برانگیز که عاطفه‌ای همواره گوش به زنگ است، برای گسترش و ترویج چنان شایعه‌ای کافی است. اما شرط پیدایی پنداره‌ای که شهادت حواس را نقض می‌کند، وجود محرکی نیرومندتر است که به همین جهت از لایه‌های ژرف‌تری برمی‌خیزد.

شایعه وجود بشقاب‌های پرنده، نخست با مشاهده موشک